

اول سموئیل باب 5

صندوق پیمان در فلسطین

1 وقتی که فلسطینیان، صندوق پیمان خدا را به دست آوردند، آن را از ابن عزر به شهر خود اشدود بردند. 2 بعد آن را به پرستشگاه داجون آوردند و در پهلوی بت داجون قرار دادند. 3 صبح روز بعد هنگامی که مردم اشدود به پرستشگاه رفتند، دیدند که بت داجون در برابر صندوق پیمان خداوند رو به زمین افتاده بود. پس داجون را برداشتند و آن را دوباره در جایش قرار دادند. 4 اما فردای آن روز، وقتی که مردم صبح زود از خواب بیدار شدند، دیدند که داجون باز در برابر صندوق پیمان خداوند رو به زمین افتاده است. این بار سر و دو دست او قطع شده و در آستانه در قرار داشتند و فقط تن او باقیمانده بود. 5 به همین دلیل است که تا به امروز هم کاهنان داجون و هرکس دیگری که به پرستشگاه داجون داخل می شود قدم بر آستانه پرستشگاه داجون نمی گذارد.

6 آنگاه دست انتقام خداوند برای تباهی مردم اشدود بلند شد. مردم سرزمین اشدود و اطراف و نواحی آن را به دُمل مبتلا ساخت. 7 وقتی مردم دیدند که چه بلایی بر سرشان آمده است، گفتند: «ما نمی توانیم صندوق پیمان خدا را نزد خود نگه داریم، زیرا همه ما را با داجون، خدای ما از بین می برد.» 8 پس قاصدانی فرستاده تمام رهبران فلسطینیان را جمع کرده پرسیدند: «با صندوق پیمان خدای اسرائیل چه کنیم؟»

آنها جواب دادند: «آن را به جت می بریم.» پس صندوق پیمان خدای اسرائیل را به جت بردند، 9 ولی وقتی که صندوق به جت رسید، خداوند پیر و جوان آنجا را به مرض دُمل دچار نمود. 10 بعد صندوق پیمان خداوند را از آنجا به عقرون فرستادند. همین که صندوق پیمان به آنجا رسید، مردم عقرون فریاد برآوردند: «صندوق پیمان خدای اسرائیل را برای این به اینجا آورده اند که ما را هلاک کند.» 11 پس آنها تمام بزرگان فلسطینیان را جمع کرده گفتند: «صندوق پیمان خدای اسرائیل را دوباره به جای خودش بازگردانید تا ما و مردم ما از هلاکت نجات یابیم.» آن مرض همه را دچار وحشت ساخته بود زیرا خدا آنها را به شدت تنبیه می کرد. 12 کسانی هم که زنده مانده بودند، مبتلا به مرض دُمل بودند و چنان درد می کشیدند که فریادشان به آسمان رسیده بود.